یادداشت

سرمایه‌گذاری برای مجازات جایگزین

حمیدرضا آجیلیان طهرانی
پژوهشگر حقوق

در دهه‌های اخیر، نظام‌های قضایی سراسر جهان با چالش‌های متعددی در زمینه اجرای مجازات حبس و پیامدهای ناشی از آن مواجه شده‌اند. از کثرت و ازدحام زندانیان موجود در زندان‌ها و هزینه‌های بالای نگهداری آنان در این مراکز گرفته تا ناکارآمدی اعمال مجازات حبس در اصلاح رفتار مجرمان و پیشگیری از تکرار این جرم، همگی نشان‌دهنده ضرورت بازنگری در رویکردهای سنتی مجازات می‌باشد.

حبس، به‌ویژه حبس‌های کوتاه‌مدت، نه‌تنها در کاهش جرم موفق نبوده، بلکه در بسیاری موارد به افزایش تکرار جرم منجر شده‌است. مطالعات نشان می‌دهند که زندان‌ها گاهی به محیطی برای یادگیری رفتارهای مجرمانه تبدیل می‌شوند و اثرات منفی مانند فروپاشی خانواده‌ها، آسیب‌های روانی و هزینه‌های اقتصادی بالا را به دنبال دارند. برای مثال، در ایران، عواملی مانند شرایط نامناسب زندان‌ها، عدم رعایت بهداشت و سوءرفتار با زندانیان، ضرورت بازنگری در استفاده از حبس را برجسته کرده‌است.

مجازات‌های جایگزین حبس، به‌عنوان راهکاری نوین، با هدف کاهش جمعیت کیفری، اصلاح و بازاجتماعی کردن مجرمان و جبران خسارت‌های واردشده به جامعه و بزه‌دیدگان مطرح شده‌اند به گونه‌ای که این راهکار مؤثر با تمرکز بر اصلاح و بازپروری، آثار و نتایجی اخلاقی و مؤثرتر ارائه می‌دهد.

مجازات‌های جایگزین حبس، با تمرکز بر اصلاح رفتار و اخلاق مجرمان، جبران خسارت تحمیل شده بر جامعه و بزه‌دیدگان و کاهش آسیب‌های اجتماعی، راهکاری نوین برای تحقق هرچه بهتر عدالت کیفری هستند. این مجازات‌ها نه‌تنها به کاهش جمعیت زندان‌ها و هزینه‌های مرتبط با آن کمک می‌کنند، بلکه با حفظ کرامت انسانی مجرم و تقویت ارتباط او با جامعه، به پیشگیری از ارتکاب جرم و بازاجتماعی شدن مرتکب کمک می‌کند.

تبدیل مجازات حبس به مجازات‌هایی مانند خدمات عمومی رایگان، دوره مراقبت، و محرومیت از حقوق اجتماعی، که توسط قانونگذار در قانون مجازات اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۲) بخش مجازات‌های جایگزین حبس (مواد ۶۴ تا ۸۷)، پیش‌بینی شده‌است، به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که ضمن تنبیه مرتکب، به اصلاح رفتار و حفظ ارتباط فرد با جامعه کمک می‌کند.

قانون مجازات اسلامی، مجازات‌های جایگزین را عمدتاً به جرائم تعزیری درجه ۵ تا ۸ محدود کرده (ماده ۶۵) و برای جرائم سنگین‌تر یا متهمان با سابقه، امکان استفاده از آنها را کاهش داده‌است. همچنین، الزام به رضایت متهم در برخی مجازات‌ها (مانند خدمات عمومی) می‌تواند مانع اعمال آن شود.

با این حال، موفقیت این رویکرد نیازمند زیرساخت‌های مناسب، فرهنگ‌سازی و استفاده از فناوری‌های نوین است که متأسفانه در این راستا نبود دستورالعمل‌های اجرایی جامع: آیین‌نامه اجرایی مجازات‌های جایگزین (مصوب ۱۳۹۳) که در برخی موارد فاقد جزئیات کافی برای نحوه نظارت و ارزیابی اثربخشی این مجازات‌ها است موجب شده اجرای این راهکار به شکل مطلوب آن محقق نگردد که به نظر می‌رسد برگزاری دوره‌های آموزشی مستمر برای قضات با تمرکز بر مزایای مجازات‌های جایگزین، بازنگری در قانون برای گسترش دامنه کاربرد این مجازات‌ها (مانند جرائم درجه ۴)، و تدوین دستورالعمل‌های اجرایی دقیق‌تر می‌تواند این مشکلات را تا حدودی برطرف کند.

نظام قضایی ایران نیز می‌تواند با سرمایه‌گذاری در این حوزه و بهره‌گیری از تجارب جهانی، گامی بزرگ به سوی عدالت انسانی‌تر و مؤثرتر بردارد.

مرد میانسال در میدان شوش به قتل رسید

مرد میانسالی در درگیری با چند مرد دیگر در حوالی میدان شوش به قتل رسید. تحقیقات برای دستگیری عاملان قتل از سوی مأموران ادامه دارد.

به گزارش «جوان»، شامگاه چهارشنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه امسال، مأموران پلیس تهران تلفنی از درگیری خونین چند مرد در یکی از خیابان‌های اطرف شوش باخبر و راهی محل شدند. مأموران پلیس در محل حادثه دریافتند در این درگیری مرد میانسالی به شدت زخمی و برای درمان به بیمارستان منتقل شده است، بنابراین به بیمارستان رفتند که تیم پزشکی اعلام کرد مرد زخمی بر اثر شدت جراحات روی تخت بیمارستان به کام مرگ رفته است.

با اعلام خبر قتل مرد میانسال، تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به دستور بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تحقیقات خود را درباره این حادثه آغاز کردند. بررسی‌ها نشان داد مقتول از مدتی قبل با چند مرد آشنا اختلاف داشته تا اینکه عصر روز حادثه با هم درگیر می‌شوند و در نهایت با ضربه چاقوی یکی از آنها به قتل می‌رسد.

تحقیقات برای دستگیری عاملان قتل ادامه دارد.

بخشیدن قاتل چوپان به شرط ترک اعتیاد ۱۱۴ معتاد

غلامرضا مسکنی

قاتل چوپان که با اقدام خداپسندانه اولیای دم بخشیده شده و به زودی از زندان آزاد می‌شود، قرار است ۱۱۴ معتاد به موادمخدر را با هزینه خودش در کمپ ترک اعتیادی بستری کند و آنها را ترک بدهد.

اواسط خردادماه ۹۵ به مأموران پلیس استان فارس تلفنی خبر رسید دو مرد در یکی از روستاهای اطراف شهر درگیری خونینی را رقم زده‌اند.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران پلیس راهی محل حادثه و در زمین‌های کشاورزی اطراف روستا با جسد مرد ۲۹ ساله‌ای روبه‌رو شدند که با اصابت جسم سختی به سرش فوت کرده بود.

قتل چوپان

در همان ابتدای تحقیقات هویت مقتول مشخص شد و اهالی روستا اعلام کردند مرد جوان صفدر نام دارد و چوپان است. وی صبح روز حادثه گوسفندانش را برای چریدن به بیابان می‌برد و لحظاتی قبل هم در درگیری با یکی از کشاورزان همان روستا به قتل می‌رسد.

اهالی روستا جسد مقتول را در نزدیکی زمین‌های کشاورزی مرد ۳۰ ساله‌ای به نام ایرج کشف کرده بودند و گفته‌های آنها حکایت از آن داشت که صفدر در درگیری با ایرج به قتل رسیده است.

بنابراین مأموران همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای تحقیق به سراغ ایرج رفتند، اما دریافتند مظنون به قتل پس از حادثه محل زندگی‌اش را ترک کرده و به مکان نامعلومی گریخته است.

بنابراین ایرج به عنوان قاتل فراری تحت تعقیب مأموران قرار گرفت، اما هیچ ردی از او پیدا نشد.

بازداشت در سیستان

تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری ادامه پیدا کرد تا اینکه مأموران پلیس رد متهم را در یکی از شهرهای استان سیستان و بلوچستان پیدا کردند و متوجه شدند قاتل پس از فرار در خانه یکی از بستگانش مخفی شده است.

با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران راهی مخفیگاه متهم شدند و او را بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند. متهم پس از انتقال به اداره پلیس محل حادثه با اظهار پشیمانی به قتل چوپان روستا اعتراف کرد.

قتل به خاطر چرای یک گوسفند

متهم در توضیح ماجرا گفت: «من کشاورز هستم و زحمت زیادی برای آبادانی زمین‌های کشاورزی‌ام کشیده بودم و انتظار داشتم چند ماه بعد محصول خوبی برداشت و بدهی‌هایم را پرداخت کنم. چند روز قبل از حادثه وقتی به سراغ زمین‌های کشاورزی‌ام رفتم، متوجه شدم گوسفندانی به داخل زمین رفته و محصولم را از بین برده‌اند. خیلی عصبانی شدم و بعد هم فهمیدم گوسفندان صفدر وارد زمین‌های کشاورزی‌ام شده‌اند.»

وی ادامه داد: «شب قبل از حادثه همراه دوستانم مواد مصرف کردم و به خاطر مصرف زیاد، آن شب تا صبح نخوابیدم و صبح هم برای سرکشی به زمین‌های کشاورزی‌ام رفتم. حال خوبی نداشتم که دیدم یکی از گوسفندان صفدر داخل زمینم آمده و در حال خوردن محصول است که به چوپان اعتراض کردم. همین موضوع باعث مشاجره لفظی ما شد و بعد از دقایقی درگیری‌مان بالا گرفت. خیلی عصبانی شدم و چوب او را گرفتم و ضربه‌ای به سرش زدم. من قصد قتل نداشتم و وقتی دیدم صفدر خونین روی زمین افتاد فرار کردم، اما به مردم روستا گفتم که صفدر زخمی شده است. فکر نمی‌کردم او با یک ضربه چوب فوت کند و وقتی باخبر شدم که به قتل رسیده است از ترس فرار کردم.»

حکم قصاص

متهم پس از اعتراف و بازسازی صحنه جرم روانه زندان شد و مدتی بعد هم برای محاکمه به دادگاه کیفری استان منتقل شد. قاتل در دادگاه با اظهار پشیمانی به قتل اعتراف و از اولیای دم تقاضای بخشش کرد، اما پدر و مادر مقتول برای قاتل فرزندشان درخواست قصاص کردند. قضات دادگاه پس از شنیدن دفاعیات متهم، وی را به جرم قتل عمد به قصاص محکوم کردند.

رأی دادگاه پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه اجرای احکام دادسرای شهرستان محل حادثه ارسال شد. بدین ترتیب نام متهم در لیست افراد قصاصی قرار گرفت و مدتی قبل هم برای اولین بار پای چوبه دار حاضر شد و در حالی که طناب دار به گردن قاتل آویخته شده بود، تیم صلح و سازش با میانجیگری از اولیای دم برای قاتل مهلت گرفتند و اولیای دم هم اعلام کردند به قاتل فرصت می‌دهند تا درباره بخشش یا اجرای حکم دوباره تصمیم بگیرند. سپس قاتل به سلولش بازگشت و از آن روز به بعد ریش‌سفیدان محل و تیم صلح و سازش تلاش زیادی برای جلب رضایت اولیای دم کردند.

بخشش

نفس‌های قاتل به شماره افتاده بود و اولیای دم قرار بود به زودی حکم قصاص را اجرا کنند که تلاش تیم صلح و سازش و ریش‌سفیدان نتیجه داد و اولیای دم اعلام کردند با گذاشتن شرطی متهم را می‌بخشند.

یکی از اولیای دم گفت: «ما تصمیم گرفته بودیم حکم قاتل را اجرا کنیم و یک‌بار هم او را پای چوبه دار بردیم، اما حکم را اجرا نکردیم و مهلت دادیم. مدتی قبل فهمیدیم قاتل در زندان قرآن حفظ کرده و آدم خوبی شده و از گذشته‌اش به شدت پشیمان است و مأموران زندان هم اعلام کردند او در مدت زندانی بودنش خطایی نکرده است. بنابراین تصمیم گرفتیم برای رضایت خدا و آرامش روح فرزندمان قاتل را با گذاشتن شرطی ببخشیم. ما به شرطی قاتل را می‌بخشیم که او با هزینه خودش ۱۱۴ معتاد را در کمپ ترک اعتیادی بستری کند و آنها را ترک بدهد. وی همچنین پس از آزادی از زندان باید برای مدتی هر روز به کمپ ترک اعتیادی که آن ۱۱۴ معتاد در آن بستری هستند، برود و کمپ ترک اعتیاد را نظافت کند.» شرط‌های اولیای دم از سوی قاتل و خانواده‌اش پذیرفته شد. بدین ترتیب قاتل که قرار بود به زودی حکمش اجرا شود به زندگی دوباره بازگشت و به زودی از زندان آزاد می‌شود.

مادر: با بخشش اعضای فرزندم به آرامش رسیدم

جلال مهرگان

مادری که اعضای بدن فرزندش را به بیماران نیازمند بخشیده می‌گوید سخت‌ترین تصمیم زندگی‌اش را گرفته و از اینکه چند بیمار امکان ادامه زندگی پیدا کرده‌اند، به آرامش رسیده‌است.

شامگاه دوشنبه هشتم شهریورماه امسال سخت‌ترین شب زندگی مادر پویا فتح‌الله‌زاده بود. جوانی ۲۷ ساله که آرزو داشت او را در لباس دامادی ببیند، اما وقتی دید فرزندش در اتاق مراقبت‌های ویژه بیمارستان آیت‌الله کاشانی با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند، دنیا پیش چشم‌هایش تیره و تار شد. او در شرح آن شب سیاه می‌گوید: «پسرم پویا ۲۷ سال داشت و همراه پدرش زندگی می‌کرد. شب حادثه پدرش وقتی وارد خانه می‌شود، پویا را صدا می‌کند، اما جواب نمی‌شنود. وقتی خودش را به طبقه سوم خانه می‌رساند، می‌بیند پویا روی زمین افتاده و صورتش کبود شده‌است. بلافاصله با اورژانس تماس می‌گیرد و درخواست کمک می‌کند، اما خبری از اورژانس نمی‌شود.

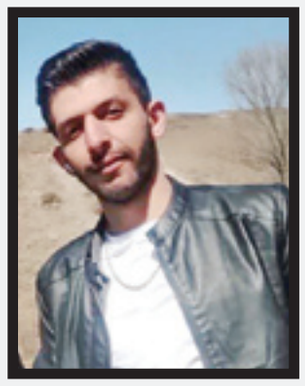

هر لحظه برای نجات پویا حکم مرگ و زندگی دارد و پدر پویا مدام با اورژانس تماس می‌گیرد، اما خبری از امدادگران نمی‌شود. ۲۵ دقیقه بعد وقتی از آمدن آنها ناامید می‌شود، پویا را با خودروی شخصی‌اش به بیمارستان آیت‌الله کاشانی منتقل می‌کند و تلاش تیم پزشکی برای نجات پویا به جریان می‌افتد.»

او درباره وضعیت فرزندش هنگام بستری در بیمارستان می‌گوید: «وقتی ما به بیمارستان رسیدیم، گفتند پویا احیا شده و در اتاق مراقبت‌های ویژه تحت درمان بود. وقتی درباره وضعیت فرزندم از پزشک معالجش سؤال کردم، گفت: پویا به دلیل مسمومیت شدید دارویی وضعیت خوبی ندارد، با این حال امیدوار بودم لطف خداوند شامل حال فرزندم شود و او نجات پیدا کند.

از شامگاه هشتم اردیبهشت که حادثه اتفاق افتاد تا روز پنج‌شنبه ۱۱ اردیبهشت، لحظات به سختی برایم دنبال شد. روز پنج‌شنبه کنفرانسی برقرار شد و به ما خبر دادند پویا دچار مرگ مغزی شده‌است. پزشکان گفتند به دلیل مسمومیت شدید، بافت مغز متورم شده و به ما توصیه کردند اعضای پویا را به بیماران نیازمند اهدا کنیم. من به پزشکان التماس کردم، تلاش کنند فرزندم به زندگی برگردد. بارها شنیده‌بودم افرادی از کما به زندگی بر می‌گردند که یکی از پزشکان گفت در مرگ مغزی احتمال برگشت وجود ندارد. من ابتدا مقاومت کردم. بعد از آن باید سخت‌ترین تصمیم زندگیمان را می‌گرفتیم، برای همین به اهدای اعضای پویا رضایت دادیم. همان روز پویا به بیمارستان سینا منتقل شد تا عمل برداشت اعضا در آنجا انجام شود. ما وداع آخر را در بیمارستان انجام دادیم و عصر روز جمعه عمل اهدا انجام شد. پیکر فرزندم روز شنبه ۱۳ اردیبهشت به پزشکی قانونی و یک روز بعد هم او را دفن کردیم.»

مادر پویا درباره اعضای اهدا شده می‌گوید: «به ما گفتند قلب، کبد و دو کلیه پویا را به بیماران نیازمند اهدا کرده‌اند. نمی‌دانم اعضای بدنش به چه کسانی اهدا شده‌است، اما خیلی دوست دارم صدای قلب فرزندم را بشنوم. به ما گزارش شده که یک سال بعد جشن نفس برگزار می‌شود و اگر دریافت‌کننده رضایت بدهد، می‌توانم با او حرف بزنم، چراکه دریافت‌کننده هم باید شرایط روحی مناسبی داشته‌باشد که عضو دریافت‌شده پس نزند، با این حال، حالا به آرامش رسیده‌ام و انگار که فرزندم شهید زنده است، چراکه اعضای بدن او را اهدا کردیم و چند نفر امکان زندگی دوباره پیدا کرده‌اند.»

مهلت به قاتل ۱۹ سال پس از قتل

آرمین بینا

مرد جوانی که ۱۹ سال قبل در درگیری مرد میانجیگری را به قتل رسانده بود در سومین باری که پای چوبه دار رفت با میانجیگری تیم صلح و سازش از اولیای دم مهلت سه ماهه گرفت.

عصر روز ۱۱ اردیبهشت‌ماه ۸۵، مأموران پلیس شهرستان بومهن تلفنی به بازپرس ویژه قتل اعلام کردند مرد جوان زخمی پس از انتقال به بیمارستان به طرز مشکوکی به کام مرگ رفته است.

با اعلام این خبر، تیم جنایی به بیمارستان رفتند و روی تخت بیمارستان با جسد مرد جوانی به نام رحمان روبه‌رو شدند که با ضربه چاقو به قتل رسیده بود.

قتل میانجیگر

بررسی‌ها نشان داد ساعتی قبل در یکی از محله‌های بومهن، سه مرد جوان با چند پسر جوان درگیر می‌شوند که رحمان برای میانجیگری وارد درگیری می‌شود و با چاقوی یکی از سه مرد به نام حمید به قتل می‌رسد. بنابراین عاملان درگیری تحت تعقیب قرار گرفتند و مأموران یکی‌یکی آنها را شناسایی و بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت که قصد قتل مرد میانجی را نداشته و او را به صورت اتفاقی به قتل رسانده است.

وی در توضیح ماجرا گفت: «دوستان مقتول مدتی بود مزاحم زن برادرم می‌شدند و روز حادثه هم من، برادرم و پسر خاله‌ام برای تنبیه آنها به محل رفتیم که مقتول برای میانجیگری وارد درگیری شد و اتفاقی به قتل رسید.»

وی ادامه داد: «برادرم تازه ازدواج کرده بود که عصر روز حادثه وقتی با زن برادرم روبه‌رو شدم، دیدم گریه می‌کند. علت گریه‌اش را از او سؤال کردم که به من گفت مدتی است چند پسر جوان خلافکار مزاحمش می‌شوند. زن برادرم گفت دقایقی قبل پسران خلافکار راهش را سد کردند و به او متلک انداختند. صحبت‌های تازه‌عروس خیلی ناراحتم کرد و وقتی ماجرا را با برادر و پسرخاله‌ام در میان گذاشتم، تصمیم گرفتیم پسران خلافکار را تنبیه کنیم. از طرفی هم متوجه شدیم آنها برای همه اهالی محل مزاحمت ایجاد می‌کنند و همین موضوع باعث شد برای تنبیه آنها مصمم‌تر شویم. سه نفری به محل رفتیم و با آنها درگیر شدیم. رحمان پسر خوبی بود و وقتی دید ما با دوستانش درگیر شده‌ایم، قصد میانجیگری داشت که چاقوی من به او برخورد کرد. من قصد قتل نداشتم، چون رحمان اصلاً در این درگیری تقصیری نداشت و برای کسی هم مزاحمتی ایجاد نکرده بود.»

مهلت ۳ ماهه

متهم پس از اعتراف و تکمیل پرونده‌اش در دادگاه کیفری استان محاکمه و با درخواست اولیای دم به قصاص محکوم شد. رأی دادگاه پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای سیر مراحل اجرای حکم به شعبه دوم اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد. متهم در یک قدمی چوبه دار قرار گرفت و تیم صلح و سازش دادسرای امور جنایی هم تلاش زیادی برای جلب رضایت اولیای دم آغاز کردند. وی در سال‌های گذشته دو بار پای چوبه دار حاضر شد و هر دو بار با التماس و گریه از اولیای دم مهلت گرفت. چند روز قبل متهم برای سومین بار پای چوبه دار رفت، اما این‌بار هم اولیای دم با تلاش تیم صلح و سازش به قاتل مهلت سه ماهه دادند تا در فرصت بعدی درباره اجرای حکم یا بخشش تصمیم بگیرند. بدین ترتیب متهم از چوبه دار فاصله گرفت و به زندگی امیدوار شد.

یادداشت

کاهش آمار سرقت با تزریق آرامبخش

حسین فصیحی
دبیر گروه حوادث

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه از کاهش ۱۸ درصدی سرقت در کشور خبر داده و اعلام کرده این کاهش نشان‌دهنده اثرگذاری سیاست‌های نوین در زمینه پیشگیری و همکاری گسترده میان نهادهای مختلف است. دو روز قبل فرمانده قرارگاه مبارزه با سرقت فراجا اعلام کرد سال ۱۴۰۱ تعداد پرونده‌های سرقت افزایش داشت، اما سال ۱۴۰۲ حدود ۱۸ درصد کاهش را شاهد بودیم و امیدواریم امسال با استمرار اقدام‌های صورت گفته کاهش ۱۱ درصدی نسبت به سال قبل محقق شود. رئیس پلیس تهران هم گزارش داده میزان سرقت در پایتخت ۱۶ درصد کاهش داشته‌است. دی‌ماه سال گذشته هم سخنگوی پلیس از کاهش ۱۹ درصدی سرقت و افزایش ۱۱ درصدی کشف سرقت در کشور خبر داده‌بود.

امکان دسترسی به جزئیات گزارش‌های جامع سرقت وجود ندارد و منابع رسمی هم صرفاً به اعلام درصد کاهش یا افزایش آمار بسنده می‌کنند، بنابراین گزارش‌های موردنظر یک‌طرفه اعلام می‌شود. در آمارهای قوه قضائیه و پلیس مشخص نیست چه میزان سرقت در کشور ثبت شده‌است و قیاس کاهش صورت گرفته بین دو جامعه آماری چگونه ثبت شده‌است. به نظر می‌رسد جامع‌ترین سازمان در اعلام آمار آسیب‌ها، سازمان پزشکی قانونی کشور باشد که صرفاً گزارش‌های فوت ناشی از سوانح را منتشر می‌کند و از همین‌رو امکان تحلیل گزارش‌ها با توجه به جزئیات آماری ممکن است، اما این موضوع درباره سرقت وجود ندارد. ثبت سرقت با اعلام شکایت در کلانتری و دادسراها صورت می‌گیرد. در این بین سرقت‌هایی هم اتفاق می‌افتد که اصلاً گزارش نمی‌شود یا بسیاری از شاکیان به دلیل معضلاتی که در چرخه رسیدگی به سرقت وجود دارد، بعد از طرح شکایت، عطای آن را به لقایش می‌بخشند که احتمال دارد این آمار در ردیف آمار اعلام‌شده کاهش سرقت از سوی پلیس و عدلیه لحاظ شود. بنده و خانواده‌ام در چند سال گذشته در شش مورد قربانی سرقت شده‌ایم که سه مورد از آن را به پلیس گزارش داده‌ایم و به رغم اینکه در یکی از موارد پلاک خودرو و تلفن همراه سارق را در اختیار پلیس قرار دادم، اما در هیچ‌کدام از این موارد منجر به کشف جرم نشد.

سرقت، شایع‌ترین جرم کشور است و همزمان با بروز معضلات اقتصادی شدت بیشتری گرفته‌است، به طوری که کمتر کسی را می‌شود پیدا کرد، خود یا نزدیکانش قربانی سرقت نشده‌باشند. این روزها فیلم‌های بسیاری از سرقت در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود و نشان می‌دهد سارقان با خشونت زیادی مرتکب جرم می‌شوند. براساس گزارش پلیس سن سرقت به زیر ۱۸ سال رسیده‌است و نوجوانان بسیاری کف خیابان‌ها در حال سرقت، خصوصاً سرقت موبایل هستند. پلیس هم عملیات‌های خود علیه سارقان را شدت بخشیده‌است و مدام دزدان را کت و بال می‌بندد و به زندان می‌اندازد. همزمان با شدت گرفتن سرقت، قرارگاه‌های مبارزه با سرقت در استان‌ها فعال می‌شود و گشت‌زنی‌های پلیس هم افزایش پیدا می‌کند، اما از سوی دیگر عدلیه سیاست کاهش جمعیت کیفری را در پیش گرفته‌است، یعنی سارقانی که با دشواری زیاد بازداشت می‌شوند با سپردن وثیقه‌ای مثل فیش حقوقی آزاد می‌شوند، جامعه را ناامن می‌کنند.

سال‌هاست سنگینی بار مبارزه با سرقت به دوش پلیس است که در موارد بسیاری مأمورانش هنگام درگیری با سارقان زخمی یا شهید می‌شوند. روشن است فعال‌تر شدن پلیس در جریان مبارزه با سرقت مثل آرامبخش عمل می‌کند و می‌تواند منجر به کاهش مقطعی آمار وقوع سرقت شود، اما این روند مقطعی است و با برداشته شدن فشار پلیس شدت سرقت دوباره به تنظیمات کارخانه برمی‌گردد. دولتمردان مدام در قاب رسانه‌ها ظاهر می‌شوند و از گشایش‌ها حرف می‌زنند، اما معلوم نیست گشایش‌های موردنظرشان کجای کره خاکی اتفاق می‌افتد. معضلات اقتصادی، افزایش بیکاری، از دست رفتن فرصت‌های شغلی به دلیل افزایش بی‌رویه اتباع، شکاف گسترده طبقاتی و اقبال نیروی کار جوان برای رسیدن به پول یک‌شبه معضلاتی هستند که سبب تثبیت چرخه سرقت شده‌است که دولت‌ها باید همت خود را برای رفع آن به کار گیرند وگرنه اگر عدلیه از کاهش ۹۰ درصدی سرقت خبر دهد و کسی در بدنه اجتماعی احساس امنیت نکند، این آمار محلی از اعراب ندارد.

قاچاق ۵۵ میلیون لیتر سوخت با بارنامه جعلی

رئیس پلیس امنیت اقتصادی فراجا از بازداشت پنج قاچاقچی سوخت خبر داد که با بارنامه‌های جعلی موفق به قاچاق ۵۵ میلیون لیتر سوخت شده‌اند.

به گزارش «جوان»، سردار حسین رحیمی گفت: مأموران پلیس امنیت اقتصادی در جریان تحقیقات خود متوجه شدند یک باند سازمان‌یافته با جعل بارنامه ساختگی در زمینه قاچاق فرآورده‌های سوختی فعال هستند. وی ادامه داد: بررسی‌های بیشتر نشان داد اعضای باند در قالب یک شرکت صادراتی و از طریق مبادی رسمی در بنادر جنوبی کشور در حال قاچاق فرآورده‌های سوختی به کشورهای حاشیه خلیج فارس هستند.

رئیس پلیس امنیت اقتصادی گفت: اعضای باند پنج نفر بودند که با راه‌اندازی شرکت کاغذی و تهیه بارنامه داخلی در قالب صادرات بیش از ۵۵ میلیون لیتر سوخت قاچاق را از مبادی رسمی به خارج کشور صادر کرده‌بودند که با کامل شدن تحقیقات موفق شدند چهار نفر از اعضای باند را بازداشت کنند و تحقیقات برای بازداشت پنجمین عضو باند و سایر افراد مرتبط جریان دارد. سردار رحیمی گفت: ستاد خبری پلیس امنیت اقتصادی با شماره ۰۹۶۳۰۰ آماده دریافت اخبار و اطلاعات شهروندان در خصوص جرائم مختلف اقتصادی از جمله قاچاق سوخت است.

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی به شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۰۰۰۶۰۰۰۰۴۲ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۰۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان نور تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای / خانم مظاهر علی نژاد فرزند ابوالحسن در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۲۵۰/۲۲ متر مربع به پلاک ۱۸۲ فرعی از ۱۵ اصلی واقع در قریه زرین کلا علیا بخش ۵ حوزه ثبت نور خریداری از آقای / خانم وراث حاج ابوالحسن علی نژاد مورد تائید و محرز گردیده است .لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز روزنامه سراسری و محلی آگهی می گردد، در صورتی که اشخاص ذی نفع به آراء اعلام شده اعتراض داشته باشند، باید از تاریخ انتشار آگهی تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند، معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل دهد. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۳/۰۳
تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۴/۰۳/۱۷
شناسه آگهی: ۱۹۳۴۲۰۰

علی سعادتی – رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان نور